

ارزیابی نقش سازمان‌های غیردولتی در حفاظت از میراث معماری و شهری؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه*

دکتر نعیمه رضایی*، مهندس فرناز فرجی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیقی عملکرد و نقش سازمان‌های غیردولتی در ایران و فرانسه است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شده و به روش کیفی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اهداف و فعالیت‌های انجمن‌ها در فرانسه و ایران مشابه است، اما شرایط موجود در هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان موفقیت انجمن‌ها دارد. در فرانسه موضوع میراث یکی از اولویت‌های کشور است. همچنین، به علت سابقه طولانی شکل‌گیری انجمن‌ها، جایگاه آنها در جامعه شناخته شده است. اما در ایران انجمن‌ها هنوز برای تثبیت جایگاه خود تلاش می‌کنند. مقایسه دو بستر نشان می‌دهد که به منظور افزایش میزان موفقیت انجمن‌ها، حمایت‌های مادی و معنوی بخش عمومی ضروری است. بنابراین آگاهی نهادهای عمومی از اهمیت این انجمن‌ها در حفاظت از میراث امری اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، انجمن‌های ایران باید تلاش کنند تا از طریق اقدامات ترویجی، مسئله میراث را به دغدغه‌ای عمومی تبدیل کنند.

واژه‌های کلیدی

حفاظت از میراث، فعالان میراث، سازمان‌های غیردولتی، ایران، فرانسه

*این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی بنیادی با عنوان «ارزیابی نقش سازمان‌های غیردولتی در حفاظت از میراث معماری و شهری؛ مطالعه تطبیقی ایران، فرانسه و الجزایر» است که توسط نویسندگان در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران انجام شده است.

Email: naimeh.rezaei@ut.ac.ir
Email: faraji.farnaz@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران. (مسئول مکاتبات)
*** دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت، دانشگاه تهران.

۱-۱- مقدمه

افزایش تعداد سازمان‌های غیردولتی نمودی از تحقق دموکراسی و حقوق اجتماعی است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از جمله فرانسه، شکل‌گیری انجمن‌های غیردولتی حفاظت از میراث سابقه‌ای طولانی دارد. بسیاری از کشورهای درحال توسعه نیز اخیراً به ایجاد این انجمن‌ها روی آورده‌اند و اگرچه هنوز در ابتدای راه هستند، اما توانسته‌اند تجارب خوبی کسب کنند. در این کشورها که حفاظت از میراث جزء اولویتهای اصلی دولت‌ها نیست، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقشی تعیین‌کننده داشته باشند و با استفاده صحیح از قابلیت‌ها، دانش و مهارت‌های افراد جامعه، اقدامات مؤثری را انجام دهند (Trabelsi, 2016).

هدف اصلی از پژوهش حاضر بررسی نقش انجمن‌ها در ایران در حفاظت از میراث معماری و شهری و ارزیابی عملکرد آنهاست. به‌منظور ملموس بودن این بررسی، پژوهش به‌صورت مقایسه‌ای بین دو کشور ایران و فرانسه انجام می‌شود. علت انتخاب فرانسه، پیشرو بودن این کشور در زمینه توجه به میراث و سابقه شکل‌گیری انجمن‌هاست. در این پژوهش سعی می‌شود که ضمن شناخت زمینه‌های موجود (حقوقی، قانونی، مالی و اجتماعی) در این دو کشور، سازوکار فعالیت انجمن‌ها، نقش آنها در حفاظت از میراث و نیز نقاط قوت، ضعف و امکانات و محدودیت‌های انجمن‌ها در هر دو کشور بررسی شود.

انجام چنین پژوهشی در ایران ضروری به نظر می‌رسد. زیرا به دلیل متأخر بودن موضوع، هنوز شناخت چندان در مورد آن وجود نداشته و پژوهش قابل توجهی در مورد آن انجام نشده است. تنها یک مقاله درباره انجمن‌های حفاظت از میراث در ایران یافت شد که توسط علی مظفری (۲۰۱۵) در یکی از دانشگاه‌های استرالیا نوشته شده است. این مقاله به بررسی ادراک فعالان از مفهوم میراث پرداخته اما نقش، سازوکار عملکرد و فعالیت‌های این انجمن‌ها را بررسی نکرده است. پژوهش‌هایی که در فرانسه روی این موضوع انجام شده‌اند بیشترند. آدریان لتزلتر^۱ (۲۰۱۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی نقش یک انجمن در حفاظت و باززنده‌سازی یک خیابان قدیمی در شهر برست^۲ در فرانسه پرداخته است. اریک دو تو^۳ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی نقش انجمن‌ها در حفاظت از میراث در فرانسه پرداخته و تعدادی از این انجمن‌ها را معرفی کرده است. علاوه بر پژوهشگران، وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه نیز گزارش‌هایی در مورد انجمن‌های حفاظت از میراث منتشر کرده است. از جمله گزارشی که در سال ۲۰۰۱ منتشر شده و نتیجه یک پژوهش روی انجمن‌های سراسر کشور است. در این پژوهش، انجمن‌ها به تفکیک دپارتمان، از لحاظ زمان شکل‌گیری، نام، اعضا و فعالیت‌های غالب بررسی و تحلیل شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که انجام این پژوهش می‌تواند گامی در جهت پرداختن بیشتر به موضوع انجمن‌ها به‌ویژه در ایران باشد و ایده‌هایی را برای پژوهش‌های آتی مطرح کند.

۱-۲ روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر پنج انجمن از هر یک از دو کشور انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در این پژوهش منظور از انجمن، سازمان‌های غیردولتی است و انجمن‌های وابسته به بخش عمومی (به‌طور مثال وزارت فرهنگ) و یا نهادهای بین‌المللی در این پژوهش مدنظر نبوده‌اند. نکته حائز اهمیت دیگر این بود که انجمن‌های منتخب حتماً در حوزه میراث معماری و شهرسازی فعالیت داشته باشند و فعالیت آنها محدود به میراث غیرمادی و اسناد قدیمی نباشد.

داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری شده‌اند. مصاحبه نیمه ساختاریافته زمانی بیشترین کاربرد را دارد که پژوهشگر بیش از یک‌بار امکان مصاحبه با افراد را ندارد. امتیاز دیگر این روش کنترل فرایند جمع‌آوری اطلاعات از افراد مورد مصاحبه است (Bernard, 1988). علاوه بر این، در پژوهش حاضر از آنجاکه بسیاری از افراد (مسئولان انجمن‌ها) زمان کافی برای مصاحبه‌های عمیق نداشتند، به نظر می‌رسید که مصاحبه‌های ساختاریافته با سوالات مشخص و یکسان، امکان جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز و همچنین مقایسه انجمن‌ها در دو بستر متفاوت را فراهم می‌کند. با توجه به موضوع مورد مطالعه، رویکرد کلی استقرایی^۴ برای تحلیل کیفی داده‌ها استفاده شده است (Thomas, 2006). بنا به نظر توماس (۲۰۰۶) این یک رویکرد تحلیلی است که کلی و عمومی^۵ بوده و الزامی وجود ندارد که به‌طور خاص در یکی از روش‌های سنتی پژوهش کیفی مانند تئوری زمینه‌ای^۶ (Strauss & Corbin, 1990)، پدیدارشناسی^۷ (Van Manen, 1990)، تحلیل گفتمان^۸ (Potter & Wetherall, 1994) و تحلیل تفسیری^۹ (Leiblich, 1998) جای گیرد. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که درک خود از داده‌ها را افزایش دهد (Weber, 1990; Burnard, 1996; Cavanagh 1997).

بدین منظور یک پرسش‌نامه باز شامل ۱۰ سؤال در مورد نحوه شکل‌گیری، اهداف، فعالیت‌ها، ارتباطات و نیز موانع موجود در برابر اقدامات انجمن‌ها تهیه شد و پس از انجام هماهنگی و توضیح موضوع پژوهش (از طریق تلفن یا ایمیل)، مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا ایمیل صورت گرفت. تمام مصاحبه‌های حضوری ضبط شده و در قالب متن نوشتاری پیاده‌سازی شدند. مصاحبه‌هایی که به‌صورت پرسش‌نامه از طریق ایمیل انجام شده بود نیز ترجمه شدند. سپس تمام متون چند بار بازخوانی شدند. پس از آن به‌صورت جمله یا بخشی از جمله خرد شدند. در مرحله بعد کدگذاری و مفهوم‌سازی صورت گرفت و یک لیست از مفاهیم تدوین شد. پس از آن مفاهیم مشابه (از طریق مقایسه دائمی آنها) دسته‌بندی شده و مقوله‌هایی را شکل دادند. در مرحله آخر مقوله‌ها بسط داده شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. غیر از پرسش‌نامه‌ها، دو مصاحبه عمیق نیز با دو نفر در دو نهاد هماهنگ‌کننده

انجمن‌ها (یکی دولتی و یکی غیردولتی) انجام شد که نتایج آن در بسط محورهای پرسش‌نامه‌ها مورداستفاده قرار گرفته است.

مبانی نظری

سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های غیردولتی شکل جدیدی از دموکراسی مشارکتی‌اند. بسیاری از کشورها بعد از تغییرات اساسی که در سازوکار سیاسی آنها به وجود آمد، به سمت تشکیل یک نظام دموکراتیک حرکت کردند. در چارچوب این دموکراسی، جوامع تلاش می‌کنند که دو منظومه اجتماع و بخش عمومی را به هم نزدیک کنند. با چنین دیدگاهی «جنبش شکل‌گیری انجمن‌ها» آغاز شد که هدف آن تقویت وزن جامعه مدنی بود و سازمان‌های غیردولتی نیز در چارچوب همین جنبش ایجاد شدند (Trabelsi, 2016). تلاش سازمان‌های غیردولتی بر این است که افراد جامعه را در امور عمومی دخیل کنند. امروزه دولت‌ها پذیرفته‌اند که در صورت برقراری ارتباط با این سازمان‌ها، خود نیز می‌توانند از مزایای آن بهره‌مند شوند (Lachenmann, 1995).

شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی (البته نه به شکل رسمی و سازمان‌یافته امروزی) سابقه‌ای طولانی داشته و حداقل به اواخر قرن هجدهم برمی‌گردد (Davies, 2014). این سازمان‌ها در مقیاس بین‌المللی، نقش مهمی در مسائلی مانند مبارزه با برده‌داری و جنبش حق رأی زنان ایفا کردند (Davies, 2007). اما عبارت «سازمان غیردولتی» با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ کاربرد پیدا کرد و برای اولین بار در ماده ۷۱ فصل ۱۰ منشور ملل متحد مطرح شد (United Nations, 1945). بنا به تعریف سازمان ملل متحد، هر نوع سازمانی که مستقل از کنترل دولت باشد می‌تواند سازمان غیردولتی (NGO) نامیده شود، به این شرط که اهداف انتفاعی و فعالیت‌های سیاسی مخالف نداشته باشد (همان).

در ایران، آئین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی (مصوب ۱۳۸۴)، این سازمان‌ها را این‌چنین تعریف می‌کند: «سازمان غیردولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی به‌صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوطه تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی است. موضوع فعالیت سازمان مشتمل بر یکی از موارد علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکوکاری و امور خیریه، بشردوستانه، امور زنان، آسیب دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توان‌بخشی، محیط‌زیست، عمران و آبادانی و نظایر آن، یا مجموعه‌ای از آنها است» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

امروزه بر نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه تأکید بسیاری می‌شود. این سازمان‌ها با تکیه بر دانش و مهارت‌های خود و استفاده از منابعی که در اختیار دارند، می‌توانند جایگاه مهمی در توسعه سرزمین‌ها داشته باشند (Pesche, 1998 cited in Trabelsi, 2016). حوزه فرهنگ

روزبه‌روز بیشتر سازمان‌های غیردولتی را به‌سوی خود جذب می‌کند. این حوزه به‌اندازه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای دولت‌ها اهمیت ندارد و معمولاً اقدامات کافی برای حفظ ابعاد فرهنگی جوامع صورت نمی‌گیرد (Trabelsi, 2016). به همین دلیل نقش سازمان‌های غیردولتی در این خصوص اهمیت پیدا می‌کند. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در جوامعی که نیازمند توسعه محلی‌اند، فعالیت خود را بر حفاظت و ارزش‌دهی به میراث فرهنگی متمرکز کرده‌اند (Ibid). حفاظت از میراث فرهنگی یکی از گام‌های توسعه پایدار محلی است که اساس آن شناسایی منابع محلی از طریق فرآیندهای مشارکتی است (Landel & Senil, 2009).

سابقه و جایگاه حقوقی سازمان‌های غیردولتی در

ایران و فرانسه

ایران

قوانین متعددی در ایران وجود دارد که به‌طور غیرمستقیم به مشارکت مردمی و فعالیت انجمن‌های غیردولتی اشاره دارند (قانون تجارت ۱۳۳۱، آیین‌نامه اجرایی تشکیل مؤسسات غیرتجاری سال ۱۳۳۷، اصل ۲۶ قانون اساسی کشور)، اما مهم‌ترین سند که به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته است، آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مصوب سال ۱۳۸۴ است (رضائی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴). بنابراین شکل‌گیری انجمن‌های غیردولتی به‌صورت رسمی و طبق تعاریف بین‌المللی، در ایران سابقه‌ای طولانی ندارد و این انجمن‌ها از سال ۱۳۸۴ به‌صورت قانونی شروع به شکل‌گیری کردند. انجمن‌های موجود در ایران با اهداف مختلف مانند آموزش، بهداشت، محیط‌زیست، اشتغال، فرهنگ، هنر، جوانان، کودکان، زنان، سالمندان و یا موضوعات تخصصی و علمی شکل گرفتند. بنا به گفته کارشناس دفتر امور مجامع و تشکل‌های مردم‌نهاد سازمان میراث فرهنگی، به‌طور خاص در حوزه‌های میراث، صنایع‌دستی و گردشگری، امروزه بیش از ۵۰۰ انجمن سامان‌یافته وجود دارد که در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی، استانی، شهرستانی و روستایی فعالیت می‌کنند (ارتباط شخصی، خرداد ۱۳۹۶). هرچند که تعداد انجمن‌های ثبت شده در این حوزه بیش از این است و تعدادی از انجمن نیز ثبت‌نشده و به‌صورت غیر رسمی فعالیت می‌کنند. این انجمن‌ها در تمام استان‌ها پراکنده‌اند. توزیع انجمن‌ها در سطح کشور نشان می‌دهد که ارتباطی بین تعداد انجمن‌ها و میزان غنی بودن استان از لحاظ میراثی وجود ندارد (همان).

فرانسه

پس از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، ابتدا در سال ۱۷۹۰ قانونی تصویب شد که آزادی انجمن‌ها را به رسمیت می‌شناخت، اما از سال ۱۷۹۱ آزادی انجمن‌ها محدود شد. به‌موجب قانون ۲ مارس ۱۷۹۱ و قانون ۱۴ ژوئن ۱۷۹۱، تشکیل

(2001).

معرفی انجمن‌های منتخب در فرانسه و ایران

مشخصات کلی انجمن‌های مطالعه شده در دو کشور به اختصار در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های حاصل از تحلیل پرسش‌نامه‌های باز، در قالب چند محور (همان‌طور که در روش تحقیق شرح داده شد) ارائه می‌شود.

سابقه فعالیت انجمن‌ها

به لحاظ قدمت قانون‌گذاری در حوزه سازمان‌های غیردولتی، فرانسه از سابقه بیشتری نسبت به ایران برخوردار است. قانون ۱۹۰۱ فرانسه در خصوص انجمن‌ها بیش از سه دهه قبل از قانون تجارت ایران (که این قانون هم به‌طور مستقیم به سازمان‌های غیردولتی به مفهوم امروزی آن نپرداخته است) تصویب شده است. قانونی که مستقیم به شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی در ایران پرداخته در سال ۱۳۸۴ تصویب شده که نسبت به قانون ۱۹۰۱ فرانسه بیش از یک قرن تأخیر دارد. باگذشت زمان، انجمن‌های فرانسه به بلوغ رسیده و تجارب بسیار کسب کرده‌اند و این موضوع بر اعتبار آنها می‌افزاید. انجمن‌های فرانسه از آنجا که سابقه طولانی دارند، نزد مردم و نهادهای عمومی مقبولیت پیدا کرده و این قابلیت را دارند که اقدامات دائمی و عمیق‌تر انجام دهند. در صورتی که انجمن‌های ایران هنوز باید برای تثبیت جایگاه خود تلاش کنند.

انجمن‌های مذهبی، شهروندی، خیریه، صنفی، کارگری به‌منظور دفاع از حقوق مشترکشان ممنوع شد و مجلس ملی تمام انجمن‌ها را ملغی اعلام کرد (Fretel, 2006). اما از اواخر قرن نوزدهم، با وجود ممنوعیت‌ها، تعداد زیادی انجمن شکل گرفتند (Poujol, 2001). در سال ۱۸۹۹، پیر ولدوک-روسو^{۱۱}، رئیس شورای وزارتخانه‌ها و وزیر کشور وقت فرانسه، لایحه‌ای را مطرح کرد که منتهی به قانون ۱ ژوئیه ۱۹۰۱ شد. به‌موجب این قانون هر شخصی می‌تواند انجمن تأسیس کند، بدون اینکه نیاز به مجوز قبلی داشته باشد. مشروط به اینکه این انجمن اهداف غیرقانونی و غیراخلاقی نداشته باشد و موجب تضعیف یکپارچگی ملی نشود (Legifrance, 2017). ماده ۱ این قانون انجمن را این‌چنین تعریف می‌کند: «انجمن قراردادی است که به‌موجب آن دو تا چند نفر، به‌صورت دائمی، دانش یا فعالیت‌های خود را باهدفی غیر از سود، به اشتراک می‌گذارند» (Ibid).

در فرانسه از یک‌طرف زمینه‌های قانونی نیز شکل‌گیری انجمن‌ها را تسهیل می‌کنند و از طرف دیگر، خود فرانسوی‌ها تمایل زیادی به گرد هم آمدن دارند. تقریباً از هر دو فرانسوی، یک نفر عضو یک یا چند انجمن است که این انجمن‌ها در حوزه‌های مختلف‌اند، از جمله ورزش، فرهنگ، هنر، سیاست و جامعه‌شناسی (Duthoo, 2011). در سال‌های اخیر تعداد انجمن‌های حفاظت از میراث در فرانسه بسیار افزایش یافته است. امروزه در فرانسه بیش از ۸۰۰۰ انجمن میراث وجود دارد که چند صد هزار داوطلب را گرد هم جمع آورده‌اند (Heritage Environment Federation, 2017). توجه به میراث در این کشور آن‌قدر زیاد شده که گفته می‌شود «فرانسه دچار یک تب میراث^{۱۲}» شده است (Ministry of culture and communication).

جدول ۱. انجمن‌های مطالعه شده در فرانسه

نام انجمن	سال تأسیس	تعداد اعضا (نفر)	حوزه فعالیت/اهداف
انجمن دوستداران کولونژ ^{۱۳}	۱۹۲۷	۱۰۰	دفاع از میراث معماری درخطر؛ حفاظت از ماهیت اصیل میراث؛ حفاظت از محیط‌زیست؛ هدایت گردشگری به سمت ابعاد هنری و فرهنگی (موزه، نمایشگاه و...); هشدار در مورد جنبه‌های منفی مدرن‌سازی.
انجمن میراث ووزیه ^{۱۴}	۱۹۸۴	۱۱۰	حفاظت از بناها، اشیاء، مهارت‌ها، آداب‌ورسوم، عناصر کوچک میراثی (petit patrimoine) (مثل آب‌نماها، المان‌ها، سنگ صلیب)، میراث مربوط به اقوام مختلف، اسناد چاپ‌شده قدیمی مثل روزنامه‌ها، تراکت‌ها و کارت‌پستال‌ها.
انجمن میراث سن-مالو و دینان ^{۱۵}	۱۹۸۸	۴۰	درخواست ثبت نمونمان‌های تاریخی؛ مشارکت در حفاظت از فضاهای طبیعی آسیبیپذیر؛ مشارکت در تحقیقات و نظرسنجی‌های عمومی در زمینه طرح‌های شهری؛ مشارکت در رویدادهای فرهنگی که توسط وزارت فرهنگ و سایر نهادهای ملی برگزار می‌شود؛ ارتباط با رسانه‌ها، ارتباط با مدارس و دانشکده‌ها و برگزاری کنفرانس.
انجمن میراث، محیط‌زیست و کیفیت زندگی دوردان ^{۱۶}	۱۹۹۱	۴۰	هدف اولیه شکل‌گیری: مبارزه و مخالفت با یک پروژه شهری در بخشی از شهر و بعد توسعه حوزه فعالیت به حفاظت و ارتقاء ارزش میراث، محیط‌زیست و کیفیت زندگی؛ نقد اسناد شهری (مانند طرح کاربری اراضی) و مشارکت با شهرداری در تهیه طرح‌های منطقه.
میراث و شهرسازی ^{۱۷}	۱۹۹۷	۱۱۶	هدف اولیه شکل‌گیری: احساس خطر به دلیل پروژه‌های شهرسازی، جنگل‌زدایی و تغییر معابر و سپس توسعه فعالیت‌ها به حفاظت از میراث مصنوع و طبیعی، پژوهش در مورد میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی منطقه و همفکری و کمک داوطلبانه برای تهیه طرح‌های شهرسازی (به‌منظور احترام به میراث).

جدول ۲. انجمن‌های مطالعه شده در ایران

نام انجمن	سال تأسیس	تعداد اعضا	فعالیت/اهداف
انجمن سیراف پارس	۱۳۸۳	۱۰۰	معرفی آداب و رسوم شهر سیراف؛ برگزاری برنامه‌ها، جشنواره‌ها، تورهای بازدید با همکاری نهادهای عمومی؛ اطلاع‌رسانی، ارتباط با رسانه‌ها و رادیو و تلویزیون محلی؛ همکاری با تورهای خارجی؛ ارائه خدمات به پژوهشگران خارجی.
انجمن جوانان سپید پارس	۱۳۸۵	۹۶ (۲۵ عضو فعال)	آشنایی جامعه و جوانان با مفاهیم اصولی میراث فرهنگی و طبیعی، هنر و آداب و رسوم ایرانی؛ آشنایی جامعه و جوانان با دانشمندان، بزرگان و چهره‌های تاریخی-فرهنگی-ادبی و هنری کشور؛ گسترش و توسعه صنعت گردشگری و صنایع دستی؛ آموزش، توانمندسازی و جذب مشارکت‌های مردمی و در پاسداشت میراث فرهنگی و طبیعی.
انجمن دوستداران یادمان‌های قزوین	۱۳۸۸	۱۲۰	سال‌های گذشته: تمام حوزه‌های میراث مادی و معنوی. در حال حاضر: مرمت بنا و بافت‌های تاریخی.
انجمن چهارسوق کویر	۱۳۸۸	۶۰	حفظ میراث فرهنگی و هویت شهر و ترویج گردشگری پایدار از طریق: فعالیتهای آموزشی، بازدیدهای میدانی، برگزاری تورهای تخصصی، برگزاری نمایشگاه و جشنواره‌های مرتبط با میراث مخصوصاً میراث ناملموس.
کمیته پیگیری و حفاظت از خانه‌های تاریخی شهر تهران	۱۳۹۱ (ثبت‌نشده)	۹ (به دلیل عدم ثبت امکان عضوگیری ندارد)	هدف اولیه شکل‌گیری: جلوگیری از تخریب خانه تاریخی اتحادیه و سپس توسعه فعالیت‌ها؛ پیگیری ثبت خانه‌های تاریخی؛ جلوگیری از تخریب خانه‌های تاریخی؛ برگزاری تورهای آشنایی با خانه‌های تاریخی تهران برای روزنامه‌نگاران و سایر گروه‌های تأثیرگذار بر شهر (شامل مدیران، هنرمندان و متخصصان) و برگزاری جشنواره‌های هنری.

اعضاء

در فرانسه اعضای انجمن‌ها اغلب افراد بازنشسته‌اند. این افراد شامل گروه‌های تحصیل کرده می‌شود که دغدغه میراث و فرهنگ خود را دارند و وقت و انرژی زیادی را برای آن اختصاص می‌دهند. جوانان دانشجویان و افراد شاغل وقت آزاد چندانی جهت عضویت در این انجمن‌ها ندارند، اما در برنامه‌هایی که توسط انجمن‌ها برگزار می‌شود، مانند سمینارها، کارگاه‌ها، نمایشگاه‌ها و بازدیدها شرکت می‌کنند.

در ایران اعضای انجمن‌ها بیشتر جوانان اند (که اغلب بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن دارند)، اما این قشر به دانشجویان رشته‌های معماری، مرمت، باستان‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط و گاهی روزنامه‌نگاران محدود می‌شود. حفاظت از میراث در ایران هنوز تبدیل به یک دغدغه عمومی نشده و علاقه‌مندان به میراث بیشتر گروه‌های خاص‌اند.

زمینه‌های فعالیت

فرانسه

به‌طور کلی فعالیت‌های انجمن‌های بررسی‌شده در فرانسه را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد:

- اطلاع‌رسانی، ایجاد حساسیت در جامعه نسبت به میراث، مستندسازی: این دسته از فعالیت‌ها شامل اقدامات ترویجی و تبلیغی (توزیع بروشور، تراکت، طومار، چاپ کتاب، نمایشگاه، کنفرانس، بازدید، ورود به مدارس، حضور در رادیو و تلویزیون و چاپ مطلب در مطبوعات)، شرکت در رویدادهای ملی و بین‌المللی (مانند روزهای میراث در اروپا که هر سال در ماه سپتامبر برگزار می‌شود)، شناسایی و لیست کردن عناصر میراثی و در مواردی درخواست ثبت

آنها، و همچنین جمع‌آوری اسناد قدیمی مربوط به شهر (مانند روزنامه‌ها و کارت‌پستال‌های قدیمی) می‌شود. این دسته از فعالیت‌ها بخش عمده فعالیت‌های اغلب انجمن‌های بررسی‌شده را تشکیل می‌دهند.
- مرمت بناهای تاریخی: از پنج انجمن بررسی‌شده سه انجمن در حوزه مرمت ابنیه هم وارد شده‌اند که معمولاً به یک یا دو بنا محدود می‌شود. همه انجمن‌ها در حوزه مرمت ابنیه وارد نمی‌شوند و صرفاً انجمن‌هایی این کار را انجام می‌دهند که تخصص آن را دارند.

- همکاری در تهیه طرح‌های شهری: از بین پنج انجمن بررسی‌شده، تمرکز یکی از انجمن‌ها بر همکاری با شهرداری و حضور در کمیسیون‌های شهرسازی است و فعالیت‌های ترویجی و اطلاع‌رسانی کمتری دارد. این انجمن در طرح‌های شهری مثل طرح کاربری زمین (معادل طرح تفصیلی) به‌منظور حفاظت از میراث مصنوع و طبیعی شهر مداخله و اظهار نظر می‌کند. انجمن دیگری نیز به‌صورت داوطلبانه در طرح‌های شهرسازی به شهرداری کمک کرده و ایده‌پردازی می‌کند. به دلیل به رسمیت شناخته‌شده جایگاه انجمن‌ها در فرانسه، در اغلب موارد دیده می‌شود که به‌منظور اطلاع از طرح‌های توسعه و نیز اظهار نظر در مورد آنها، انجمن نماینده‌ای در کمیسیون‌های شهرسازی شهرداری دارد.

ایران

انجمن‌های ایران با اینکه سابقه چندانی ندارند اما حوزه‌های گسترده‌ای را برای فعالیت‌های خود تعریف کرده‌اند. فعالیت‌های انجمن‌های بررسی‌شده را می‌توان در سه محور کلی خلاصه کرد:
- فعالیت‌های ترویجی و آموزشی: این دسته از فعالیت‌ها بخش غالب

معماری و شهری خارج می‌شود. در مورد یکی از انجمن‌های مطالعه شده که حدود ده سال سابقه دارد، مشاهده می‌شود که عمده فعالیت‌ها بر میراث ناملموس مانند ادبیات و معرفی چهره‌های فرهنگی و ادبی متمرکز شده است. در مورد یکی از انجمن‌ها نیز که ۱۳ سال سابقه دارد، بیشترین تمرکز بر ترویج فرهنگ و آداب‌ورسوم شهر و نیز فعالیت‌هایی مانند تهیه مستند، مصاحبه و گزارش و برگزاری تورهای گردشگری است. این انجمن که در شهری بندری واقع شده، در کنار فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی خود، با حمایت یک شرکت نفتی معروف به برگزاری تفریحات دریایی نیز می‌پردازد. علت این امر را می‌توان دشوار بودن ورود به حوزه میراث معماری و شهری و تعدد موانع موجود دانست.

ارتباط بین انجمن‌ها

در فرانسه بین انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی همکاری نزدیک وجود دارد. علاوه بر این، یک‌نهاد هماهنگ‌کننده وجود دارد که همه انجمن‌های حوزه میراث را گرد هم می‌آورد و همکاری و ارتباط بین آنها را تسهیل می‌کند. در حال حاضر بیش از ۴۰۰ انجمن در سطح کشور عضو فدراسیون میراث-محیط زیست^{۱۸} هستند. این فدراسیون مکانی برای تبادلات و ارتباط بین انجمن‌های میراث و محیط‌زیست است. عضویت در این انجمن ملی که اعضای بسیار قوی و تأثیرگذاری دارد، به انجمن‌ها این امکان را می‌دهد که در انجام اقدامات خود از حمایت‌های لازم برخوردار شوند. غیراز این فدراسیون، هشت انجمن حفاظت از میراث که حوزه فعالیت آنها سطح ملی است، گروهی را به نام G8 تشکیل داده‌اند. علاوه بر این شبکه‌ها، رویدادها در مقیاس ملی و فراملی، مانند «روزهای میراث اروپا»^{۱۹} که همه‌ساله در ماه سپتامبر برگزار می‌شود، به انجمن‌ها امکان مشارکت و ارتباط با سایر انجمن‌ها را می‌دهد. در ایران اغلب انجمن‌ها با انجمن‌های مشابه در سطح استانی و ملی ارتباط دارند. انجمن‌ها هم به صورت مستقل با یکدیگر ارتباط دارند (که این ارتباطات در قالب کارگروه‌ها، همایش‌ها، نشست‌ها و سایر برنامه‌هایی است که انجمن‌ها به صورت مشترک برگزار می‌کنند)، و هم از طریق شورایی به نام «شورای هماهنگی سازمان‌های غیردولتی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» که حدود ۹۰ انجمن از استان‌های مختلف عضو آن هستند. از پنج انجمن بررسی‌شده، چهار انجمن عضو این شورا هستند. این شورا دو هدف دارد. اول، پیگیری خواسته‌های صنفی انجمن‌ها، دوم، توانمندسازی انجمن‌های عضو شورا در حوزه‌های ساختاری و سازمانی و مرادی تخصصی، از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی. اما این شورا به چند دلیل تاکنون موفقیت چندانی نداشته است. اول اینکه در ایران کار جمعی دشوار است و اختلاف‌نظر بین اعضا مانع از انجام کارها می‌شود. دوم اینکه منابع مالی محدود است. و سوم، بعد مسافت بین اعضای هیات مدیره شورا موجب وقفه یا تأخیر در انجام کارها می‌شود (مصاحبه با یکی از اعضای شورا).

فعالیت‌های همه انجمن‌ها را تشکیل می‌دهند و شامل این موارد می‌شوند: آموزش (کارگاه‌های آموزشی مختلف با موضوع میراث و محیط‌زیست)، انتشارات (کتاب، مقاله، بروشور، خبرنامه و محصولات سمعی و بصری و ...)، همایش، جشنواره، مسابقه (نقاشی و عکاسی)، اردوهای تفریحی و آموزشی، برگزاری تور و بازدید. نکته قابل توجه در مورد «کمیته حفاظت و پیگیری خانه‌های تاریخی تهران» این است که فعالیت‌های ترویجی خود به‌ویژه تورها را بر گروه‌های خاص شامل روزنامه‌نگاران و نیز متخصصان و مدیران متمرکز کرده است، چون معتقد است این گروه‌ها کسانی هستند که می‌توانند بر جامعه تأثیر بگذارند.

- پیگیری برای ثبت، جلوگیری از تخریب و حفاظت خانه‌ها: از بین انجمن‌های بررسی‌شده، فعالیت عمده «کمیته حفاظت و پیگیری خانه‌های تاریخی تهران» شناسایی، جلوگیری از تخریب و پیگیری برای ثبت این خانه‌هاست. ذکر این نکته بسیار مهم است که انجمن‌های ایران برای ثبت آثار میراثی مبارزه می‌کنند، درحالی‌که برای انجمن‌های فرانسوی ثبت دیگر دغدغه و مسئله نیست و امری عادی و بدیهی شده است (Belakehal et al., 2009). در ایران میراث و ارزش‌های آن هنوز برای عموم جامعه شناخته‌نشده است و به همین دلیل باید مبارزاتی برای جلوگیری از تخریب بناهای ارزشمند صورت گیرد. بنابراین در کنار اقدامات ترویجی و ایجاد حساسیت نسبت به میراث، باید پیگیری‌های جدی‌ای نیز برای ثبت یا جلوگیری از تخریب بناهای ارزشمند صورت گیرد. انگیزه‌های سوداگرانه و خلاهای قانونی موجب می‌شود که به‌طور دائم تعدادی بنای تاریخی در معرض خطر تخریب (اغلب به‌منظور ساخت پروژه‌های تجاری) وجود داشته باشد.

- ارائه مشاوره: از بین انجمن‌های بررسی‌شده دو انجمن فعالیت‌های مشاوره‌ای نیز دارند. انجمن یادمان‌ها که سابقه بیشتری داشته و جایگاه قابل توجهی را به دست آورده است، در زمینه مشاوره پایان‌نامه‌های دانشجویی، مشاوره به مالکان خانه‌های تاریخی جهت حفظ و نگهداری خانه‌هایشان و نیز مشاوره به بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری برای حفظ و احیای بناهای تاریخی نیز فعالیت دارد. کمیته پیگیری و حفاظت خانه‌های تاریخی تهران نیز سرمایه‌گذاران خصوصی و نیز برخی نهادهای عمومی را به خرید خانه‌های تاریخی، مرمت و تغییر کاربری تشویق کرده و مشاوره‌هایی در این زمینه به آن‌ها می‌دهد.

مشاهده می‌شود که در هر دو کشور، ایجاد حساسیت و اطلاع‌رسانی فعالیت غالب بیشتر انجمن‌هاست. به‌طور کلی یکی از اهداف شکل‌گیری انجمن‌ها برانگیختن حساسیت در جامعه نسبت به مسائل خاص و نیز تقویت حق مشارکت عمومی است (Trabelsi, 2016). در فرانسه جایگاه قابل قبول انجمن‌ها باعث شده که در تهیه طرح‌های شهری نیز حضور داشته باشند. اما در ایران آموزش ضرورت بیشتری دارد. زیرا جایگاه و ارزش‌های میراث در جامعه تا حد زیادی ناشناخته مانده است. علاوه بر این، آنچه در مورد انجمن‌های ایران مشاهده می‌شود این است که اقدامات ترویجی آنها گاه از حوزه میراث

ارتباط با بخش عمومی

صورت می‌گیرد. علاوه بر این، اغلب انجمن‌ها از طریق فروش تولیدات خود مثل بروشورهای گردشگری، کتاب، کارت‌پستال و تزئینات منزل باهدف معرفی میراث نیز کسب درآمد می‌کنند. گاهی نیز از کمک‌های مالی نهادهای عمومی برخوردار می‌شوند. در اغلب موارد شهرداری‌ها کمک چندانی نکرده و گاهی در مورد پروژه‌های خاص به انجمن‌ها کمک می‌کنند. در فرانسه انجمن‌ها نسبت به ایران بسیار مستقل‌ترند.

در ایران اغلب انجمن‌ها برای یافتن حامی مالی تلاش می‌کنند و برای پروژه‌های خاص از حمایت برخی نهادهای عمومی برخوردار می‌شوند. علاوه بر فعالیت‌های درآمدزا مانند برگزاری کلاس، کارگاه و تور، بخش قابل توجهی از منابع مالی انجمن‌ها از طریق تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای با بخش‌های عمومی به منظور انجام فعالیت مشخصی تأمین می‌شود.

اطلاع‌رسانی، ارتباطات و درگیر کردن مردم

«سازمان‌های غیردولتی برای اجرای برنامه‌هایشان نیاز دارند که خود را به جامعه بشناسانند. این سازمان‌ها معمولاً برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، از شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ها استفاده می‌کنند. آنها توانایی هدایت مباحث عمومی و ترویج اصول و اهداف خود را در جامعه دارند» (Trabelsi, 2016, 86).

در فرانسه انجمن‌ها از طریق برنامه‌های منظم با مردم محلی ارتباط دائم دارند. این ارتباط به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد: برگزاری رویدادها یا حضور در رویدادهای ملی و بین‌المللی (شرکت در «روزهای میراث اروپا»، برگزاری مسابقه عکاسی، نقاشی، پیاده‌روی و بازدید و کنفرانس)؛ اطلاع‌رسانی و ایجاد حساسیت در مردم نسبت به میراث از طریق وب‌سایت، فیس‌بوک، خبرنامه، ژورنال برای اعضا، توزیع تراکت در اماکن عمومی، طومار، حضور در رادیو و تلویزیون و چاپ مطلب در روزنامه‌های محلی. برخی انجمن‌ها امکانات تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی زیادی ندارند و گاه فقط از طریق ایمیل ارتباط دارند. چون اعضای آنها همه افراد سالخورده‌اند و مهارت زیادی در ابزارهای ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی ندارند.

در ایران نیز انجمن‌ها از طریق برگزاری برنامه‌های مختلف آموزشی، ترویجی و تبلیغی و نیز جشنواره‌های غذا و آداب‌ورسوم بومی مردم را درگیر می‌کنند و با آنها در ارتباط‌اند. گاهی نیز برخی از انجمن‌ها از مردم محلی به‌عنوان راهنمایان گردشگری استفاده می‌کنند. اما به‌طور کلی انجمن‌های ایرانی بیشتر از ارتباط با مردم، سعی می‌کنند که با نهادهای عمومی ارتباط برقرار کنند تا بتوانند منابع مالی جذب کنند. علاوه بر این، به دلیل جدید بودن موضوع انجمن‌ها در ایران و عدم شناخت مردم از آنها و نیز این تصور که انجمن‌ها به نهادهای عمومی مثل شهرداری و میراث فرهنگی وابسته‌اند، جلب اعتماد مردم بسیار سخت است. انجمن‌ها سعی می‌کنند که از طریق وب‌سایت، شبکه‌های اجتماعی مختلف مانند فیس‌بوک، تلگرام و اینستاگرام و همچنین چاپ مطلب در برخی نشریات اطلاع‌رسانی کنند. مشاهده می‌شود که در

ارتباط و رایزنی با مقامات تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، علاوه بر کمک به تحقق برنامه‌های انجمن‌ها، می‌تواند به‌صورت مستقیم باعث اصلاح مقررات موجود و یا شکل‌گیری مقررات جدید شود (رضائی قوام آبادی، ۱۳۹۴). مورد دوم در مورد انجمن‌های فرانسه بیشتر مشاهده می‌شود. در فرانسه انجمن‌ها با اداره‌های محلی مربوط به میراث و گردشگری و همچنین نمایندگان منطقه‌ای وزرات فرهنگ به‌منظور پیش بردن پروژه‌های حفاظت از میراث ارتباط دارند. این انجمن‌ها نقش مشاور را نیز برای برخی نهادهای عمومی محلی ایفا می‌کنند. انجمن‌های محلی بیشترین ارتباط خود را با شهرداری‌ها دارند و گاهی نماینده انجمن در کمیسیون‌های شهرداری شهرداری برای اطلاع از طرح‌های فرادست و اظهارنظر در مورد آنها، حضور دارد. در مواردی نیز شهرداری عضو حقوقی شورای اداری انجمن است. این نشان‌دهنده جایگاه پذیرفته‌شده انجمن‌ها نزد نهادهای عمومی از جمله شهرداری است.

در ایران نیز انجمن‌ها با نهادهای مختلف بخش عمومی از جمله شهرداری و سازمان میراث فرهنگی ارتباط دارند. در مورد سازمان میراث فرهنگی، این ارتباط‌ها برای پیگیری ثبت بناها و جلوگیری از تخریب خانه‌های تاریخی است. این موضوع بیشتر در مورد کمیته پیگیری و حفاظت خانه‌های تاریخی تهران صادق است. در روند انجام این پژوهش متوجه شدیم که در سال ۱۳۹۲ در سازمان میراث‌فرهنگی دفتری به نام «دفتر امور مجامع و تشکل‌های مردم‌نهاد» تشکیل شده است. وظیفه این دفتر حمایت (بیشتر معنوی) از انجمن‌ها و نیز برقراری ارتباط میان انجمن‌ها با یکدیگر و نیز ارتباط آن‌ها با سازمان میراث فرهنگی است. اما نکته مهم این است که در مصاحبه با انجمن‌ها، هیچ‌یک از آنها اشاره‌ای به این دفتر نکرده‌اند. دلیل آن را از رئیس یکی از انجمن‌ها که از اعضای اصلی «شورای هماهنگی سازمان‌های غیردولتی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری» پرسیدیم به گفته وی، این دفتر به دلیل نداشتن برنامه جامع و یک‌چشم انداز مشخص، نتوانسته برای خود جایگاهی در میان انجمن‌ها ایجاد کند. علاوه بر این، به دلیل کمبود منابع مالی، این دفتر در استان‌ها نماینده ندارد. بنابراین تنها برخی از انجمن‌های تهران و شهرهای نزدیک می‌توانند با این دفتر ارتباط داشته و از کمک‌های آن استفاده کنند. اثرگذار نبودن این دفتر برای انجمن‌ها، موجب شده که نامی از آن نبرند.

در ایران بخش زیادی از ارتباطات انجمن‌ها با نهادهای عمومی در قالب تفاهم‌نامه و قرارداد، به‌منظور انجام پروژه‌ها یا برنامه‌هایی با حمایت مالی این نهادهاست. اما آنچه به‌طور کلی مشاهده می‌شود، این است که جایگاه انجمن‌ها از سوی نهادهای عمومی به‌ویژه شهرداری به رسمیت شناخته‌نشده است.

تأمین مالی

در فرانسه تأمین مالی انجمن‌ها عمدتاً از طرق حق عضویت سالانه اعضا

انجمن‌های ایران استفاده از شبکه‌های اجتماعی نسبت به فرانسه بیشتر است، اما حضور آنها در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و همچنین روزنامه‌ها از فرانسه کمتر است. همین باعث شده که آشنایی مردم با انجمن‌ها به قشر خاصی از جوانان، متخصصان و علاقه‌مندان به میراث محدود شود و همه افراد جامعه به‌ویژه افراد مسن‌تر اطلاعی از وجود این انجمن‌ها و فعالیت‌هایشان نداشته باشند. در فرانسه توزیع تراکت، خبرنامه، ژورنال، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی اطلاع‌رسانی را در سطح عموم جامعه ممکن می‌سازد.

میزان تحقق اهداف

در فرانسه انجمن‌ها تا حد زیادی توانسته‌اند به اهداف خود برسند. این موضوع در مورد انجمن‌هایی که اهداف مشخص‌تر و حوزه فعالیت محدودتری دارند بیشتر صدق می‌کند. مدیران انجمن‌های فرانسه، افزایش روزافزون تعداد اعضا، شناخته شدن انجمن توسط بخش‌های عمومی، موفقیت در قبولاندن نظرات خود به بخش عمومی به‌ویژه شهرداری، موفقیت در ثبت بناها و سایت‌های میراثی و طبیعی و همچنین موفقیت در جلوگیری از ساخت‌وسازهای مخرب را نشان تحقق نسبی اهداف خود می‌دانند. این انجمن‌ها موانعی را بر سر راه خود ذکر کرده‌اند. مهم‌ترین مانع از نظر این انجمن‌ها نبود منابع مالی است. نبودن مشارکت شهرداری و عدم تمایل شهرداری به برخی فعالیت‌های انجمن و عدم پذیرش برخی پیشنهادات انجمن‌ها توسط شهرداری (مثلاً تقاضای تغییر در پهنه‌بندی طرح هادی) نیز مانع دیگری بر سر راه تحقق کامل اهداف انجمن‌هاست. بااینکه در فرانسه موضوع میراث یکی از اولویت‌های کشور است و انجمن‌ها جایگاه قانونی شناخته شده دارند، اما گاهی برخی الزامات اقتصادی یا توسعه‌ای وجود دارد که با اهداف حفاظتی انجمن‌ها وارد تناقض می‌شود. کمبود نیروی انسانی و پیر بودن اعضای انجمن‌ها نیز مشکل دیگری است که دو انجمن به آن اشاره کرده‌اند.

انجمن‌های ایران معتقدند که به دلیل وجود موانع بسیار توانسته‌اند فقط بخشی از اهداف خود را محقق کنند. آن‌ها افزایش تعداد گردشگران، بازتاب رسانه‌ای فعالیت‌های انجمن، موفقیت در جلوگیری از تخریب یک بنا یا ثبت آن را نشان موفقیت نسبی خود می‌دانند، اما معتقدند که در راه درستی قدم گذاشته‌اند. انجمن‌های ایران موانع بسیاری را بیان کرده‌اند که جلوی تحقق کامل اهداف آنها را می‌گیرد. این موانع را به ترتیب اولویت می‌توان در چند دسته زیر ذکر کرد:

عدم همکاری بخش‌های عمومی با انجمن‌ها که دلایل مختلف دارد: درآمد شهرداری‌ها وابسته به ساخت‌وساز است و بنابراین با اهداف حفاظتی میراث موافق نیستند؛ سازمان میراث فرهنگی انجمن‌ها را در مقابل خود می‌بیند و نه در کنار خود؛

عدم وجود ساختار شفاف برای فعالیت انجمن‌ها در ساختار دولت و به رسمیت نشناختن انجمن‌ها توسط نهادهای عمومی؛

عدم وجود هماهنگی میان سازمان‌های متولی حوزه میراث که موجب

سرگردانی انجمن‌ها شده است؛

عدم آگاهی جامعه نسبت به ارزش‌های میراث و نداشتن نگاه بلندمدت؛

عدم اعتماد جامعه محلی به انجمن‌ها که تحقق اهداف را دشوار کرده است؛ کمبود منابع مالی؛

عدم ثبات نیروی انسانی (اعضای انجمن‌ها چون همه جوان‌اند، در بسیاری موارد به دلیل ازدواج، تحصیل و اشتغال همکاری خود را با انجمن قطع می‌کنند).

نتیجه‌گیری

شرایط موجود در هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد و میزان موفقیت انجمن‌های میراث دارد. در فرانسه موضوع میراث یکی از اولویت‌های کشور است و حفاظت از آن تبدیل به امری بدیهی شده است. همچنین، به علت سابقه طولانی شکل‌گیری انجمن‌ها، آنها هم در جامعه (نهادهای عمومی و شهروندان) شناخته شده‌اند و هم مسیر، موانع و راه‌حل‌ها را پیدا کرده‌اند.

اهداف و فعالیت‌های انجمن‌ها در فرانسه و ایران بسیار مشابه است. اما در ایران به دلیل تعدد موانع و دشوار بودن وارد شدن به موضوع اصلی یعنی میراث، بسیاری از فعالیت‌های ترویجی، فرهنگی و یا آموزشی تمرکز کرده‌اند. در ایران حفاظت از میراث، نه برای شهروندان و نه برای مسئولان شهری جزء اولویت‌ها محسوب نمی‌شود. بنابراین انجمن‌ها نمی‌توانند از حمایت‌های مالی و معنوی چندانی برخوردار شوند و اهداف خود را محقق کنند. به همین دلیل به سراغ فعالیت‌هایی می‌روند که هم بتوانند حامی مالی پیدا کنند و هم مورد استقبال مردم قرار گیرد. این چنین است که اهداف بسیاری از انجمن‌ها بین فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و دغدغه میراث شناور است. در حالی که در فرانسه، میراث به‌خودی‌خود به‌عنوان یک نیاز تلقی می‌شود. به همین دلیل، انجمن‌های مربوط به میراث، فعالیت‌های خود را به همین حوزه محدود می‌کنند.

نکته حائز اهمیت دیگر، میزان آگاهی و علاقه جامعه نسبت به میراث است. آنچه در فرانسه مشاهده می‌شود حاکی از این است که مردم به میراث خود علاقه‌مندند و حفاظت از آن را ضروری می‌دانند. هر چند که گاهی انگیزه‌های سوداگران و اهداف توسعه‌گراانه نیز وجود دارد که میراث را به خطر می‌اندازد. اما در ایران به نظر می‌رسد که این علاقه و آگاهی به قشر خاصی (غالباً متخصصان، دانشجویان و پژوهشگران این حوزه) محدود می‌شود و در اغلب افراد جامعه علاقه چندانی نسبت به میراث ندارند. علاوه بر این، ایران کشوری شدیداً در حال مدرنیزاسیون است و اهداف مدرنیستی و توسعه‌گراانه که در سطوح مختلف جامعه (مدیران شهری، نهادهای تصمیم‌ساز، مردم و...) وجود دارد، با اهداف حفاظتی در تناقض‌اند. این موضوعی است که کار انجمن‌های میراث را دشوار می‌کند.

در ایران جنبش انجمن‌ها با تأخیر زیاد شروع شد. اما تعداد انجمن‌های موجود در سراسر کشور نشان‌دهنده یک تمایل برای حفاظت از میراث است و اینکه

پی‌نوشت‌ها

1. Ali Mozaffari
 2. Adrien Letzelter
 3. Brest
 4. Eric Duthoo
 5. General inductive approach
 6. Generic
 7. Grounded theory
 8. Phenomenology
 9. Discourse analysis
 10. Narrative analysis
 11. Pierre Waldeck Rousseau
 12. Fièvre patrimoniale
 13. Amis de Collonges
 14. Association de sauvegarde du patrimoine Vouzinois (ASPV)
 15. Association de sauvegarde et de protection du patrimoine de Saint-Malo et Dinan
 16. Association de sauvegarde et de mise en valeur du patrimoine, de l'environnement et du cadre de vie de Dourdan (ADQM)
 17. Patrimoine & Urbanisme
 18. Fédération Patrimoine-Environnement (Heritage Environment Federation)
- در سال ۱۹۶۷ فدراسیونی به اسم فدراسیون ملی انجمن‌های حفاظت از سایت‌ها و منومان‌ها، با هدف متحد کردن انجمن‌های فعال در حوزه میراث شکل گرفت و مورد تایید وزارت محیط زیست، وزارت ورزش و جوانان، وزارت آموزش عالی و وزارت فرهنگ قرار گرفت. در سال ۲۰۱۳ این فدراسیون با «اتحادیه شهر و روستا» ادغام شد و فدراسیون میراث-محیط زیست را شکل داد و از آن پس، حفاظت از محیط زیست نیز جزء فعالیت‌هایش قرار گرفت.
- 19 Journées européennes du patrimoine

فهرست مراجع

۱. رضایی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه؛ از تأسیس تا فعالیت. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، ۲۶(۲)، ۵۶۷-۵۴۱.
۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۴). آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی. بازیابی، ۱۰ فرودین، ۱۳۹۶، از <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/123764>

میراث تبدیل به دغدغه‌ای برای بخشی از جامعه (هنوز نه همه جامعه) شده است. اقداماتی که انجمن‌ها انجام داده‌اند، با توجه به شرایط و موانع موجود، شروع خوبی است. از لحاظ شکلی و ساختاری این انجمن‌ها تا حد زیادی شبیه انجمن‌های فرانسه‌اند و حتی نهاد هماهنگ‌کننده‌ای را نیز مانند فرانسه ایجاد کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این انجمن‌ها اگر بتوانند با اقدامات ترویجی خود مسئله میراث را به دغدغه‌ای عمومی در جامعه تبدیل کنند، می‌توانند موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. با توجه به موانعی که بر سر راه انجمن‌های ایران مشاهده می‌شود، می‌توان پیشنهادهایی برای بهبود شرایط و رفع موانع ارائه داد. از آنجاکه بخش قابل توجهی از موانع به عدم مقبولیت انجمن‌ها از سوی نهادهای عمومی مربوط می‌شود، بنابراین آگاهی مسئولان این نهادها از اهمیت و نقش انجمن‌ها می‌تواند بسترهای لازم را برای حمایت‌های مادی و معنوی نهادهای عمومی از انجمن‌ها ایجاد کند. این آگاهی بخشی می‌تواند از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و ارائه تجارب موفق داخلی و خارجی (از طریق برگزاری کارگاه، بازدید و مقالات) صورت گیرد. همچنین به منظور تعریف و تقویت نقش انجمن‌ها در امور مربوط به شهر و به‌ویژه محدوده‌های تاریخی، پیشنهاد می‌شود که این انجمن‌ها نمایندگانی در کمیته‌های شهرداری و سایر نهادهای مدیریتی (مانند سازمان‌های نوسازی شهری و میراث فرهنگی) داشته باشند تا فرآیند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و طراحی برای شهرها با در نظر گرفتن الزامات میراثی پیش رود. علاوه بر این، از آنجاکه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات انجمن‌ها در ایران کمبود منابع مالی است، کمک‌ها و حمایت‌های بخش عمومی موجب خواهد شد که انجمن‌ها برای تأمین منابع مالی به اقدامات حاشیه‌ای نپرداخته و بر موضوع میراث متمرکز شوند.

برخی نکات مهم پیشنهادی به انجمن‌ها نیز عبارت‌اند از: تلاش در جهت اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی گسترده، در بین تمام سطوح و اقشار جامعه و نه صرفاً گروه‌های خاص مانند جوانان؛ تلاش برای تأمین منابع مالی و عدم وابستگی شدید به بخش عمومی؛ تصریح و تدقیق اهداف و مشخص کردن حوزه فعالیت اصلی. این پژوهش به‌عنوان اولین تجربه نگارندگان در این حوزه بوده و می‌تواند ایده‌هایی را برای پژوهش‌های آتی مطرح کند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در مرحله بعد می‌توان نقش و عملکرد انجمن‌های حوزه میراث را از نگاه نهادهای عمومی مانند سازمان میراث فرهنگی و شهرداری مورد مطالعه قرارداد. همچنین از آنجاکه مشکلات و موانع موجود بر سر راه انجمن‌ها بازتابی از شرایط کلی جامعه و نگرش‌های موجود نسبت به میراث است، موضوع جایگاه میراث در جامعه ایران نیز می‌تواند به‌عنوان یک پژوهش جامع (با سرفصل‌هایی مانند: میزان توجه به میراث در کتب درسی و مراکز آموزشی، میزان توجه به میراث در رسانه‌ها، میزان علاقه و آگاهی شهروندان نسبت به میراث) تعریف شود.

۳. Belakehal, A., Farhi, A., & Mazouz, S. (2009). *Associative movement and safeguarding architectural and urban heritage. Comparative study of cases in Algeria and France. Courier du Savoir*, 9, 63-70.
4. Bernard, H. R. (1988). *Research methods in cultural anthropology*. Newbury Park, CA: Sage.
5. Burnard, P. (1996). Teaching the analysis of textual data: an experiential approach. *Nurse education today*, 16(4), 278-281.
6. Cavanagh, S. (1997). Content analysis: concepts, methods and applications. *Nurse researcher*, 4(3), 5-13.
7. Davies, T. R. (2007). *The possibilities of transnational activism: The campaign for disarmament between the two world wars*. Boston : Martinus Nijhoff Publishers
8. Davies, T. R. (2014). *NGOs: A new history of transnational civil society*. New York: Oxford University Press.
9. Duthoo, E. (2011). *The role of associations in heritage protection*. Symposium of a new governance for the management of the French architectural and landscape heritage of the ZPPAUP at the Grenelle II AVAP. (February 10-11). Angers: University of Angers, Faculty of Law.
10. Fretel, A. (2006). *French revolution and association: regeneration more than negation*, *International Review of the Social Economy*, 299, 83-9. Retrieved June 3, 2017, from http://recma.org/sites/default/files/299_083091.pdf
11. *Heritage Environment Federation*. (2017). Retrieved March 23, 2017, from <http://www.associations-patrimoine.org/>
12. Lachenmann, G. (1995). *Transformation Process in West Africa*. Field Study Report, University of Bielefeld: Center for Development Research.
13. Landel, P. A., & Senil, N. (2009). *Heritage and territory, new resources for development, sustainable development and territories [online]*. Retrieved december 27, 2017, from <http://developpementdurable.revues.org/7563>
14. *Legifrance* .(2017). Retrieved March 10, 2017, from <https://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=LEGITEXT000006069570>
15. Leiblich, A. (1998). *Narrative research: Reading, analysis and interpretation*. Thousand Oaks, CA: Sage.
16. Letzelter, A. (2012). *The heritage of an urban site by an association: The case of the Saint-Malo street in Brest*. Master's thesis at the end of the professional master's degree 2, University of Western Brittany.
17. Ministry of Culture and Communication (France) (2001), *Heritage Associations, Bulletin of the Department of Studies and Foresight*, 137. [online]. Retrieved June 10, 2017, from www.culturecommunication.gouv.fr/content/.../developpement+culturel-137-152.pdf
18. Mozaffari, A. (2015). The heritage 'NGO': A case study on the role of grass roots heritage societies in Iran and their perception of cultural heritage. *International Journal of Heritage Studies*, 21(9), 845-861.
19. Potter, J., & Wetherall, M. (1994). *Analyzing discourse*. In A. Bryman & R. Burgess (Eds.). *Analyzing qualitative data* (pp. 47- 68). London: Routledge.
20. Poujol, G. (2001). Associations before 1901. *The Annals of Urban Research*, 89(1),15-17. Retrieved June 3, 2017 from http://www.annalesdelarechercheurbaine.fr/IMG/pdf/Poujol_ARU_89.pdf
21. Strauss, A., & Corbin, J. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons and evaluative criteria. *Zeitschrift für Soziologie*, 19(6), 418-427.
22. Thomas, D. R. (2006). A general inductive approach for analyzing qualitative evaluation data. *American journal of evaluation*, 27(2), 237-246.
23. Trabelsi, S. (2016). *Local development and enhancement of fragile cultural heritage: the mediating role of NGOs: the case of South Tunisia*. Unpublished Ph.D thesis, University of Côte d'Azur, Côte d'Azur.
24. United Nations. (1945). *Charter of the United Nations: Chapter X*. Retrieved June 10, 2017, from <http://www.un.org/en/charter-united-nations/>
25. Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. London, Ontario: Althouse Press.
26. Weber, R. P. (1990). *Basic content analysis*. London: Sage

An Evaluation of The Role of NGOs in Heritage Conservation; A Comparative Study on Iran and France

*Naimeh Rezae**, Assistant professor, School of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Farnaz Faraji, M.A. Student, School of Architecture, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Formation of heritage conservation NGOs has a long background in many developed countries. Many developing countries have also begun to establish these types of NGOs. This research aims to evaluate the role of these NGOs in heritage conservation in Iran and France. For this study, five NGOs were selected from each of the aforementioned two countries. The data were collected through an open questionnaire, and were analyzed qualitatively.

The results reveal that the conditions governing each country have a decisive role in performance and degree of success of heritage NGOs. In France, heritage is among priorities of the country and its conservation has become an obvious matter. But in Iran, heritage conservation is not taken as part of priorities of the state. Moreover, considering the long history of formation of NGOs they are known and accepted by the society. This is while Iranian NGOs are still to make much effort to stabilize their positions. There is much similarity among the objectives and activities of the NGOs in two countries. However, in Iran, many NGOs have focused on propagative, cultural or educational activities because of the numerous impediments and the difficulty involved in the engagement of NGOs with the main issue which is heritage conservation. In Iran, heritage conservation is not taken as part of priorities of the state. What is more, the historical areas of the towns in Iran suffer from such problems as unavailability of public services, unemployment, socioeconomic problems, shortage of recreational facilities, etc. With the aforementioned problems, heritage conservation is neither a concern of the residents nor a concern of urban management system and other public foundations. Therefore, NGOs may not receive sufficient support to realize their objectives. Hence, they shift to the activities for which they may receive financial support and acceptance. While heritage conservation is in itself a requirement in France, the NGOs confine their activities to this, French NGOs have clear aims and clear scope of intervention. This results in maintenance of their objectives to a great extent.

A further important point is the degree of heritage awareness among citizens. The facts observed in France indicate that the people are interested in their heritage and consider its conservation as a necessity. But in Iran it seems that the interest in heritage and awareness of this subject is limited to certain social groups.

The movement of NGOs was started with much delay in Iran. However, their number in the country is indicative of an intention for heritage conservation and it reveals that heritage has now become a concern of part of the society. The actions taken by the NGOs can be taken as a good beginning in the presence of the overcoming conditions and impediments. Formally, they are much similar to French NGOs and they have even established a coordinating foundation in the same way as French associations do. It appears that the NGOs shall experience considerable achievements in case they are able to make the issue of heritage a public concern of the society through propagative actions.

Keywords: Heritage conservation; Heritage actors; Non-governmental organizations; Iran; France

* Corresponding Author: Email: Naimeh.rezaei@ut.ac.ir